

آن چه را اینک از نگاه می‌گذرانیم، نکته‌های بیشتری را راجع به داستان شوستر روشن می‌کند.

چگونه دولت در مجلس را قفل کرد؟^(۱)

وثوق الدوله با لباس رسمی به کنسولگری روس رفت و معذرت خواست!

از روزی که شوستر آمریکایی خواست به خزانه مملکت سر و صورتی بدهد و مالیات از ثروتمندان و متنفذین بگیرد به هیچ وجه راضی نشدند که مثل سایرین مالیات بدهند به همین جهت اولین قدمی را که شوستر در این راه برداشت مواجه با کارشکنی وزراء وقت شد. شوستر خودش می‌نویسد که روزی برای وصول مالیات عده‌ای از مأمورین خزانه را به درب خانه پرنس علاءالدوله فرستادم که یا مالیات هنگفت او را وصول کنند و یا املاک وی را توقیف نمایند.

پرنس علاءالدوله که خود از نزدیکان خاندان سلطنت بود برای فرار از پرداخت مالیات مخفیانه از خانه خود بیرون رفت و به منزل صمصام السلطنه بختیاری رئیس الوزراء پناه برد و به او متوسل شد. صمصام السلطنه نیز که از عجز و الحاح علاءالدوله سخت متأثر شده بود امیر مجاهد را با عده‌ای مأمور به محل فرستاد. اینها با

چوب و چماق مأمورین وصول خزانه را مضروب و تفنگ‌های آنها را گرفته و به این ترتیب رئیس الوزراء خود اولین کسی بود که بر ضد شوستر اقدام می‌کرد. نفوذ ریشه دار سیاست تزاری در میان هیأت حاکمه ایران و اقداماتی که شوستر را برای ضبط املاک شعاع السلطنه از عناصر برجسته حکومت استبدادی به عمل آورد موجب اولین اولتیماتوم تزاری گردید.

روز دهم ذی‌قعدة ۱۳۲۹ مسیو (پاکلیوسکی کزیل) وزیر مختار روس شفاهاً اولتیماتومی به دولت ایران داد که باید مأمورین ژاندارمری که املاک شعاع السلطنه را اشغال کرده بودند از پارک شعاع السلطنه برداشته شوند (توضیح آن که در آن تاریخ سفارت روس ظاهراً پارک شعاع السلطنه را به عنوان طلب موهوم ملک طلق خود می‌دانست لیکن باطناً می‌خواست بدین وسیله اموال عمال استبداد را از دستبرد حکومت محفوظ دارد).

وزیر مختار دولت روس بعد از اتمام اولتیماتوم جواب فوری خواست، دو روز بعد کابینه ایران از شوستر در این مورد نظریه خواست، شوستر جواب داد که من از مداخله در این گونه امور تحاشی دارم معیناً دولت ایران باید در حفظ حقوق خود ثابت قدم باشد.

روز ششم نوامبر (چهاردهم ذی‌قعدة) یعنی بعد از چند روز مشورت دولت صمصام السلطنه یکی از صاحب منصبان وزارت خارجه را به عمارت سفارت روس فرستاد و پس از این که نوع حکومت ایران را مشروطه معرفی کرد اظهار داشت که جواب روس‌ها را بعد از تحقیق خواهد داد.

در این موقع اوضاع شمال ایران آرام نبود، تهران از ترس حمله روس‌ها به خود می‌لرزید، احساس می‌شد که روس‌ها قصد دارند به این بهانه تمام مناطق شمال ایران را تصرف نمایند. انگلیسی‌ها که همیشه برای حفظ منافع خود منافع ایران را لگد مال دشمن کرده‌اند به دولت فشار می‌آوردند که روس‌ها را راضی کند.

روز بیست و ششم ذی‌قعدة سفارت روس به دولت ایران رسماً اطلاع داد که چون

مواد اولتیماتوم قبول نشده روابط سیاسی بین دولتین مقطوع است. در این موقع شهرت داشت که چهار هزار سرباز از قفقاز به سمت ایران حرکت کرده‌اند در اثر این اولتیماتوم کابینه ایران ترمیم شد و دولت مصمم گردید که از روس‌ها معذرت بخواهد و این معذرت خواهی نیز در اثر فشار سردار ادواری وزیر خارجه انگلستان بود که از تجاوز روس‌ها و به خطر افتادن مناطق حیاتی هندوستان می‌ترسید. به این جهت وثوق الدوله وزیر خارجه ایران با لباس تمام رسمی به قونسولگری روس در تهران رفت و دست وزیر مختار را گرفت و گفت: «جناب وزیر از طرف دولت متبوعه مأمورم از سوء رفتاری که نسبت به فرستادگان جناب عالی در خصوص املاک شعاع السلطنه شده معذرت بخواهم». وزراء ایران که به قیمت ذلت و خواری خود حاضر شدند املاک یک نفر تبعه ایران را به روس‌ها واگذارند و از آنها معذرت بخواهند تصور می‌کردند که کار تجاوز خاتمه پیدا کرده و روس‌ها راضی شده‌اند.



میرزا حسن وثوق الدوله

اما وصول اولتیماتوم دوم ثابت کرد که روس‌های تزاری به این امتیازات راضی نخواهند شد. روز هفتم ذیحجه ۱۳۲۹ دولت روس صریحاً به ایران اولتیماتوم داد که باید شوستر از ایران برود و از این پس دولت ایران بدون رضایت سفرای روس و انگلیس مستشار استخدام نکند. به علاوه دولت تزاری برای جبران هتک احترامی که نسبت به مأمورین سیاسی او شده به ایران لشکرکشی نمود عجلتاً قشون روس در رشت متوقف خواهد شد تا رضایت روسیه تزاری تأمین گردد. اولتیماتوم روسیه تزاری مثل بمب در ایران ترکید. روس‌های تزاری ظاهراً می‌خواستند شوستر از ایران برود اما باطناً قصد داشتند که به مقاصد سیاسی و اقتصادی خود در ایران نایل گردند و آخرین آثار حکومت مشروطه را از میان بردارند. در مقابل مجلس با این فکر مبارزه می‌کرد و حتی المقدور اجازه نمی‌داد کسانی که با روس‌های تزاری تماس داشته‌اند از نظر علاقه ایشان به استبداد در خدمت شرکت کنند.

عصر روز ۲۷ ذیقعد در مجلس واقعه عجیبی اتفاق افتاد و آن هنگامی بود که صمصام السلطنه بختیاری رئیس الوزراء محتشم السلطنه را به وزارت عدلیه به مجلس معرفی کرد و این انتخاب اثر بدی به جای گذاشت، زیرا معروف بود که این شخص روابط خاصی با عمال سفارت تزاری دارد.

در این جلسه شاهزاده سلیمان میرزا اسکندری لیدر حزب دموکرات گفت حزب دموکرات نمی‌تواند یکی از اعضای کابینه سپهدار را به سمت وزارت بشناسد. رئیس الوزراء پشت تریبون مجلس رفت و به شدت به حزب دموکرات حمله نمود. مؤتمن الملک که رئیس مجلس بی‌طرفی بود به رئیس الوزراء گفت که بر حسب نظامنامه مجلس باید ملایم‌تر و آرام‌تر و نرم‌تر صحبت کنند. و به همین جهت رئیس الوزراء با تعرض مجلس را ترک گفت و جلسه متشنج گردید و از آن روز معلوم شد که دولت صمصام السلطنه با مجلس نمی‌تواند کار کند. فشار روسیه تزاری دستگاه حکومت ایران را به دو جناح تقسیم کرد. کابینه صمصام السلطنه به رهبری ناصرالملک نایب السلطنه طرف روس‌ها را گرفت و وکلاء وطن پرست و آزادی خواهان مجلس

جداً در مقابل این عقیده ایستادگی کردند.

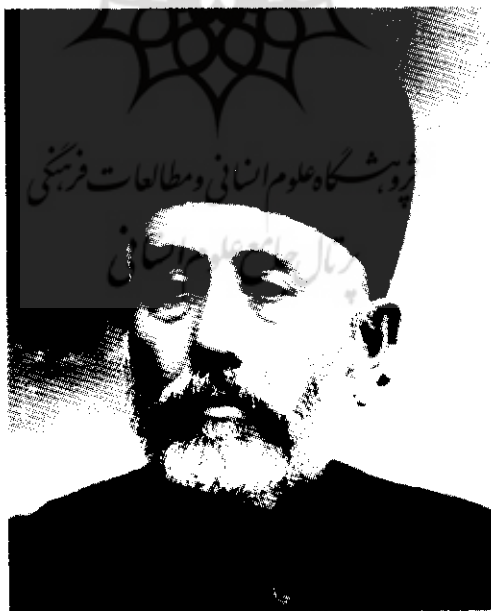
به این جهت روز اول دسامبر کمی قبل از خاتمه چهل و هشت ساعت مهلت اولتیماتوم روس اعضاء کابینه در مجلس حاضر شدند و اعلام داشتند که خواهان نظر مجلس هستند. یک ساعت قبل از ظهر محوطه و عمارت پارلمان از انبوه مردم منتظر و مضطرب پر بود. عده کثیری از مشاهیر و نمایندگان سفارتخانه حضور داشتند.

صمصام السلطنه نزدیک به ظهر پشت تریبون رفت و در میان سکوت محض اظهار داشت که بهتر است وکلاء اختیارات تامه به کابینه بدهند تا اولتیماتوم روس را قبول نماید! بعد از این اظهار نظر مثل این که هفتاد و شش نفر از وکلاء حاضر در مجلس دچار سکت شده بودند یکی از حضار از جا بر خاست و گفت شاید مشیت الهی بر این امر قرار گرفته باشد که آزادی و استقلال ما به زور از ما سلب شود ولی سزاوار نیست که ما خودمان به امضاء خود آن را از دست بدهیم وی دست‌های مرتعش خویش را برای دادخواهی به سوی مردم دراز کرده و سپس از حال رفت.

چند دقیقه پیش از ظهر رای گرفته شد یکی دو نفر از وکلای ترسو و خائن خود را پنهان کردند و از مجلس فرار اختیار نمودند تا در رأی دادن شرکت نکنند و وقتی که فهرست اسامی وکلاء خوانده شد معلوم گردید که همه حضار از جان گذشته و با وجود آینده ظلمانی و خطرناکی که در پیش داشتند اولتیماتوم روس را رد کرده‌اند در موقع اعلام رای اغلب حضار اشک می‌ریختند و از شدت خوشحالی شادی می‌کردند و نعره می‌کشیدند. وکلاء هم برای مواجهه با عواقب رد اولتیماتوم متفرق شدند. در خیابان لاله زار بسیاری از مردم جمع شده و فریاد می‌زند مرده باد خائن ملت، ما حاضریم جان خود را در راه وطن فدا کنیم.

مقارن همین احوال سیل قشون تزاری به شهرهای شمالی ایران سرازیر شده بود. در این هنگام حکومت وقت بر ضد مجلس زمینه سازی می‌کرد و شب و روز با تشویش و اضطراب طی می‌شد. بسیاری از علما استفاده از امتعه روسی و انگلیسی را تحریم کردند. ملت از زن و مرد در مقابل این تجاوز و به طرفداری از نظر مجلس قیام کرده بود

نقش شیر زنان ایران در این حوادث هرگز فراموش نخواهد شد. دستگاه حاکمه با نظر روس‌ها موافقت کرد که باید مجلس را منحل ساخت. به همین جهت بعد از ظهر دوم محرم ۱۳۳۰ دولتی که لوایح و نظریات او چند مرتبه از طرف مجلس رد شده بود آخرین ضرب شست خود را بر ضد مجلس به کار برد و به وسیله عده‌ای از مأمورین مسلح ابتدا اعضاء مجلس را اخراج و بعد درها را قفل کرد و عده‌ای از افراد گارد همایونی که به (رژیان شاهی) معروف بودند مأمور حفاظت مجلس گردیدند و به وکلاء نیز اطلاع دادند که اگر بخواهند در مجلس و یا در جای دیگر اجتماع کنند کشته خواهند شد. عصر همان روز عده‌ی کثیری از وکلاء نزد مستر شوستر رفتند و از او خواستند که در برابر تهدیدات ایستادگی کند. در آن موقع شوستر ناچار شد از ایران برود زیرا اساس استقلال مملکت در معرض تهدید بود.



صمصام السلطنه بختیاری